

۱۳) گاه‌شماری و فرهنگ

نخستین تداخل گاه‌شماری و ارکان وابسته به آن با فرهنگ، موضوع اختیارات، یعنی تعیین سعد و نحس روزها و کلاً احکام نجوم است که حتی امروزه نیز در تقویم‌هایی که با عنوان تقویم نجومی یا تقویم رومی منتشر می‌شود، مسائل مختلف احکام نجوم درج می‌گردد. علاوه بر این، گاه‌شماری در شئون مختلف زندگی مردم راه یافته است و مردم رویکردهای گوناگونی به کاربردهای کشاورزی و آیینی و مذهبی و غیرمذهبی در گاه‌شماریهای شمسی و قمری داشته‌اند. این رویکردها شامل موضوعات مختلفی بوده است، از جمله توجه به موقعیت چند روز خاص (بعضی روزهای مشخص در هر ماه و سال شامل جشنها و عزاداریها) و نیز موقعیت چند موضع مختلف در هر سال (چون آغاز و پایان فصول، روزهای باقیمانده یا گذشته از یک موقعیت نجومی خاص).

از دید کارکردگرایانه، گاه‌شماریهای مورد استفاده مردم را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: گاه‌شماریهای کشاورزی، دامداری، جشنها و عزاداریها. در هر یک از این دسته‌بندیها نیز آنچه اهمیت دارد، آیینها و شعائری است که هر کدام در موقع معین خود باید برگزار شوند. بنابراین، کاربرد گاه‌شماری در عقاید و باورهای مردم، علاوه بر مثلها و داستانها و خرافه‌ها، در آیینها و شعائری نیز دیده می‌شود که در طول سال باید برگزار شوند. در زمینه امور مذهبی، آیینها و شعائر متعددی با مفاهیم گاه‌شماری مرتبط‌اند؛ از جمله آداب و شعائری که در ده روز اول محرم به یاد واقعه کربلا و شهادت امام حسین علیه‌السلام انجام می‌گیرد، موضوع رؤیت هلال بویژه برای ماههای رمضان و شوال (آغاز و پایان ایام روزه‌داری)، و شعائر و آدابی که برای روزهای هفته و بعضی روزهای مهم سال و ماههای سال وجود دارد (برای آگاهی از ترتیب روزهای ماه و دعای مربوط به هر یک از آنها نک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۳۲-۳۲۴؛ برای برخی از اعتقادات عمومی درباره بعضی روزها در ماههای قمری نک: هدایت، ص ۸۴ - ۸۸). مجلسی (اختیارات الایام، گ ۲ پ - ۳۶ ر) آرای گوناگونی درباره سعد یا نحس بودن روزهای هفته، روزهای ماه و اختیارات ماههای سال ذکر نموده است.

برخی از کتابها که برای شرح اعمال روزها و ماههای مختلف نوشته شده‌اند، عبارت‌اند از: احسن‌التقویم و غنیه‌الانام فی معرفه الساعات و الایام از ملا محسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱)؛ تقویم‌المؤمنین و متن خلاصه شده آن، و تقویم شرعی، هر دو از میرمحمد صالح خاتون‌آبادی (متوفی ۱۱۲۶؛ حسینی‌اشکوری، ج ۱۱، ص ۱۴۵؛ حائری، ج ۷، ص ۵۲).

روزهای اول هر یک از ماههای سال آثار خاص خود را داشته (نک: شاملو، ذیل «اول») و بعضی از روزهای برخی ماهها نیز از نظر نحس یا سعد بودن، شرایط خاص خود را داشته است؛ از جمله، روز سیزدهم ماه صفر یکی از نحس‌ترین روزهای سال به شمار می‌آمده است (هدایت، ص ۸۵). این مثل فارسی نیز نشان‌دهنده نحوست سیزدهم صفر است: تو اگر سیزده نوروژی، من سیزده صفرم. علاوه بر ماههای گاه‌شماری هجری قمری، که هر کدام شعائر و محرّماتی داشته که تخلف از آنها گناه محسوب می‌شده (قس این مثل: همه ماهها خطر دارد، بدنامیش [را] صفر دارد)، برای ماههای

گاه‌شماری سلوکی (نک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۴۲-۱۴۳، ج ۵۹، ص ۳۱۲-۳۱۴ که بخشی از رساله الذهبیه منسوب به امام رضا علیه‌السلام می‌باشد) و حتی سالهای گاه‌شماری دوازده حیوانی (نک: احکام سالهای ترکان، گ ۱۳۱ ر - ۱۳۵ ر) نیز احکام نیک و بد وجود داشته است. در گاه‌شماری دوازده حیوانی، بعضی سالها (مثلا سال گاو) سعد و بعضی دیگر (مثلا سال خوک) نحس محسوب می‌شده‌اند (قس این مثل فارسی که نشان‌دهنده سعد بودن سال گاو است: همیشه تقویم بر روی گاو نمی‌گردد). آیینهای متعددی در سال قمری (اعیاد، مراسم و عزاداریها) وجود دارد (برای آگاهی از نمونه‌ای از این آیینها نک: ماسه، ج ۱، ص ۱۹۹-۲۴۹؛ درباره تطبیق دعاها هر روز ماه، که ترتیب روزهای آن، همان ترتیب روزهای ماه در گاه‌شماری یزدگردی است نک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۳۲-۳۲۴؛ سلیم، ص ۲۵۱-۳۸۶؛ برای آگاهی از شعائر گوناگون مربوط به رمضان، از جمله رؤیت هلال این ماه نزد عامه مردم نک: وکیلان، ص ۳۹-۴۴). شلیمر از آیینی یاد کرده که طی آن، عده‌ای از مردم در آخرین روزهای شعبان (شلیمر ۱۰۸ به اشتباه آن را شوال نوشته است) به شادی می‌پرداخته‌اند اما نه در ملأ عام.

در زمینه امور کشاورزی، علاوه بر وجود انواع گاه‌شماریها که اقوام مختلف در نقاط گوناگون ایران از آنها استفاده می‌کرده‌اند (در این باره نک: بخش ۴. د)، تعبیرهای گوناگونی از طول سال، تقسیم سال به فصول مختلف و پدیده‌هایی که به نحوی با امور کشاورزی در ارتباطند (انواع بارشهای برف و باران بر اساس هنگام بارش یا میزان آنها، وزش انواع باده‌ها و مانند آن) وجود دارد (برای آگاهی از مشخصات چند نمونه از این باده‌ها، بارانها و موسمه‌های روی دادن آنها در نواحی مرکزی ایران نک: فرهادی، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۹-۵۱؛ همو، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۳۹-۱۵۲؛ برای تعبیر کلی درباره مفاهیم هواشناسانه نزد عامه نک: ماسه، ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۱). در فرهنگ عامه مردم خراسان، بیشترین بارانها در روزهایی از سال که شماره آنها به شش ختم می‌شده (ششم، شانزدهم و مانند اینها) می‌باریده است (سلحشور دهقان و علیجانی، ص ۲۱-۳۴).

تقسیم‌بندی فصول به دوره‌های زمانی مختلف و عموماً دوره‌های چهل‌روزه و بیست‌روزه، که با عنوان چله بزرگ و کوچک مشخص می‌شوند، نیز ریشه در تعبیرهایی از شدت گرما یا سرما در فصول سال دارند. در این میان، تقسیم‌بندی زمستان به چله بزرگ (چهل روزه) و کوچک (بیست روزه) از جمله در تهران بسیار مورد توجه بوده است (برای آگاهی بیشتر درباره این تقسیم‌بندی نک: شاملو، ذیل «اهمن و بهمن»). در کرمان نیز فصل تابستان به دو چله، چله بزرگ (چهل روزه) و کوچک (بیست روزه)، تقسیم می‌شده است (فرهادی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۴۱ پانویس ۲)؛ این موقعیتهای فصلی - گاه‌شمارانه را مقایسه کنید با این مثل فارسی: آبان ماه را بارانکی، دی ماه را برفکی، فروردین شب بار و روز بار.

در ایران، یکی از مهمترین مراسمی که با گاه‌شماری ارتباط مستقیم دارد، نوروز است. محاسبه دقیق زمان تحویل سال - که تا پیش از رواج وسایل ارتباط جمعی با شیوه امروزی یا از روی تقویمهای سالانه یا بر اساس محاسبه بزرگان خانواده انجام می‌گرفت - و آیینهای مختلف پیش و پس از آن (امروزه، این آیینها از چهارشنبه سوری آغاز و به سیزده به در ختم می‌گردد)، جملگی

تعبیری از مفاهیم گاه‌شماری در خود دارند گزارش‌هایی از بعضی آیین‌هایی که قبل یا بعد از نوروز انجام می‌شده، وجود دارد که امروزه برگزار نمی‌شوند. انجوی شیرازی (۱۳۴۷ش، ص ۳۰) از مراسمی پنجاه روز پیش از نوروز و میرشکرای (ص ۳۶۸-۳۷۲) از مراسمی چهل روز پس از بهار به نام «چهل‌م بهار» گزارش داده‌اند. امروزه در شب آغاز زمستان (یلدا) آیینی برگزار می‌شود که شب چله نام دارد (درباره این آیین نک: انجوی شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۷، ج ۲، ص ۵۷-۸۵، ۲۲۳-۲۴۱؛ برای آگاهی از برخی عقاید، رسوم و آیین‌های دیگر درباره مدت زمانی پیش یا پس از نوروز نک: همان، ج ۱، ص ۷۰-۸۶، ج ۲، ص ۱۳۹-۱۷۲؛ شکورزاده، ص ۷۹-۱۱۰).

درباره ورود خورشید به بعضی از صورتهای فلکی منطقه البروج نیز، بجز عقاید و آرای احکام نجومی، عقاید خاصی وجود دارد. به نوشته شاردن (ج ۳، ص ۴)، به عقیده مردم کاشان، تعداد عقرب‌های این شهر هنگامی که خورشید وارد برج عقرب می‌شود، به نحو چشمگیری افزوده می‌شود (برای آگاهی از سایر اعتقادات عامه در مورد اعیاد و روزهای مختلف سال شمسی نک: ماسه، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۹۷، ج ۲، ص ۱۱-۱۹؛ برای نمونه موردی جشن سده نزد مردم خراسان نک: شکورزاده، ص ۱۱۱-۱۲۰). بجز نوروز، که سابقه برگزاری آن به پیش از ورود اسلام به ایران باز می‌گردد، سابقه برگزاری بعضی آیینها و جشنهای دیگری که امروزه بین اقوام یا مذاهب مختلف در ایران رایج است، نیز به پیش از اسلام باز می‌گردد (برای نمونه‌ای از این جشنها و سابقه آنها نک: بهار، ص ۶۲۹-۶۳۵؛ عمادی، ۱۳۵۴ ش الف، ص ۱۲۱-۱۵۱).